

نمای آینده حقوق بشر در افغانستان



ده سالیکه گذشت مردم افغانستان در اوج شعارهای دفاع از حقوق بشر، حقوق زن و جامعه دیموکراتیک مدنی قرار داشتند. شعار هائیکه گاهی هم از محدوده مراکز برخی شهرها بیرون نرفت. در ولایات عقب مانده و دهات همان ظلم و جبر و ظلم و نقض حقوق بشر بود که گاهی تصاویر تکان دهنده قلب هر انسان با ضمیر را تکان میداد. اینکه نمای آینده حقوق بشر در افغانستان چگونه خواهد بود گذشت زمان ثابت می سازد. تنها درین نوشته چند نمونه از نمای حقوق بشر و خصوصاً زنان را منحصیث نماد های عبرتاً تکرار پیش چشمان شما قرار میدهم از شرق و غرب و از شمال و جنوب تا مرکز افغانستان یک یک نمونه.

در سر زمینیکه بریدن سر، کشیدن چشم، قطع کردن اعضای

وجود انسانها، و تجاوز جنسی بر زنان کهن سال و دختران خورد سن غریزه جنوران انسان نمارا مرفوع میسازد پدیده ای بنام حق وجود ندارد اگر چشم شما بگوشه ای از نمونه های جنایت که مجازات حقوقی نامیده شده بیفتد موی بر سرتان راست میشود. در گذشته های نه چندان دور درامه زجر و شکنجه افغانها توسط خود افغانها در نقش کشتار دسته جمعی، قطع دست و پا، تیرباران تا بریدن سینه دختران یا مشاهده شده و یا طور مؤثق روایت شده بود که همه واقعیت داشت. فکر میشد تفنگداران خالق انسانهای بی دفاع بی سلاح اند.

بعد از حادثه یازده سپتمبر که بهانه ای برای حضور جامعه جهانی در افغانستان بود. انسانها حق خواه و عدالت پسند این سرزمین عقیده داشتند ضمن حفظ حقوق انسانها ناقضین حقوق بشر و متجاوزین بر حریم حرمت خانواده ها بی پای میز



محاکمه خواهد رفت. اما دیری نگذشت که این شور و اشتیاق به سردی گرائید و قانون شکنی و حق تلفی و تجاوز بر انسانها خصوصاً بر زنان روح مردم مظلوم را بیشتر خسته ساخت. در اوج حضور نیروهای نظامی ناتو جنایات هولناک در افغانستان رخ داد و هیچ دادرسی فریاد مظلومیت زنان و دختران را نشنید و حال که زمزمه خروج نیروهای نظامی امریکا از افغانستان بر سر زبانهاست آینده افغانستان را از لحاظ حقوق بشر چه فکر میکنید؟ آینده را از مشاهده چند گزارش تصور نمائید که حین قوت



های مدعی حقوق بشر غرب در افغانستان صورت گرفت. اول از دامنه های فیروز کوه :

در دامه های آرام فیروز کوه در قریه خواجگان در چند کیلو متری مرکز ولایت غور که زمانی مرکز تمدن بود اما امروز گرد حاکمیت طالبانی حق انسانها را بدست تفنگداران داده تا هرکه را بخواهند محاکمه صحرائی کنند آنها در اوج ادعای حقوق بشر و دفاع از انسانها.

سوال این است چرا مردانیکه درین قضیه متهم اند در ملاء عام تهدید نمی شوند و دره نمیخورند گو اینکه مردان معاف اند و زنان گنهار طبیعی اند. فلم این صحنه خیلی هولناکتر است. فرار زن از ظلم و بیعدالتی را گناه می پندارند. زنیکه به زور نکاح شده زنیکه پیوسته مورد زجر و شکنجه است باید همچنان ساکت و صبور باشد؟



دپانو شمیره: له ۱ تر 2

۲- از دامنه هندوکش تا بیابانهای خوست ۱۶ جواز ۱۳۹۰، ماریه عزیز بعد از تجاوز وحشتناک و کشتن هم دست هایش بسته است در زیر آفتاب سوزان و دشت های خار دار خوست اما بی آدرس و نا شناخته. او را از شمال بجنوب انتقال دادند و کشتند بعداً گفتند شاید از پروان و کاپیسا باشد چون اهل خوست نیست. جسدش را مسافر ساختند تا وارثین در غمش بسوزند.

قربانی بیکس و بی دفاع قربانی دفاع از حقوق زن: یکی از فعالین حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان ماریه عزیز بود که زنان مظلوم را به پناه بردن به دفاتر حقوق بشر و خانه های امن رهنمائی میکرد از طرف تفنگداران چهار زن به اتهام جاسوسی به خارجی ها و ارتداد از دین از دامنه های هندوکش اختطاف و بعد از تجاوز جسدش در دشت های خوست پیدا شد و فامیلش از ترس جنازه اش را تحویل نگرفتند و گفتنی است که شش عضو فامیلش بشمول مادر خواهران و برادران که اول به مرگ تهدید و بعد نا پدید شده اند.



۳- نفیسه در هرات بجرم تهیه نکردن چرس و تریاک به شوهرش گوش و بینی اش را از دست میدهد. اگر تریاک آماده نسازد بد کاره است باید مجازات شود. یعنی به هر بهانه باید گوش و بینی انسانها را ببرند و زهر خشم خود را فرو ریزند.



نفیسه در هرات نه گوش دارد و نه هم بینی. این تصاویر از زمانه های دور نیست. از زمان حکومت مدافع حقوق بشر و دیموکراسی و حقوق زن و جامعه مدنی است. اینها همه حوادثی اند که امسال صورت گرفته بعد از ده سال حضور مدافعین حقوق بشر. مگر زن بشر نیست که اختیار اعضای بدنش را ندارد؟ چه وقت انسانها در افغانستان صاحب حق میشوند.

۴- نماد دیگر نازییه در میدان باید بینی نداشته باشد چون جلب توجه میکند گناهای همین است. این دختر به نکاح اجباری تن نداده چون او را بخاطر خون کس دیگری فروخته اند. گناه را برادرانش انجام داده اما دختر باید مجازات شود. خیلی تکان دهنده است.



بلی در سر زمینی که تفنگداران به سانگی وارد خانه مشاور رئیس جمهور میشوند برادرش را میکشند دیگر مدافع و حامی برای زنان وجود ندارد. مگر این دختر جوان حق زندگی درین دنیا ندارد مگر حق همین است چرا از حقوق بشر نام میگیرند.

۵- ادامه وحشت در یکی از روستاهای تخار و بعد در کندز شمال کشور جائیکه بیشتر از سائر نقاط کشور امن معلوم میشود. اینجا تخار در سال ۱۳۹۰ فرزانه را گلوله باران میکنند و یک دختر و پسر جوان را با سنگ های چند کیلوی سنگباران میکنند مگر کدام قانون و محکمه چنین حکم میکند آیا در تاریخ اسلام چنین محکمه ای وجود داشته است که حالا همه را در دامنش پاک میکنند نخیر مکتب جنایت مکتب استفاده از همه ارزشهاست. بخاطریکه زن بی دفاع است باید مظهر تطبیق قانون جنگل باشد.



اگر توان دیدن نمائی سربریدنهارا دارید هم ببینید که جوانان خورد سال را بجرم همکاری بحکومت چگونه ذبح میکنند. دیگر این سرزمین هیچ افتخاری ندارد و گرفتن نام حق هم اهانتی بحق وقانون است. چنین وحشتی در کدام گوشه دنیا وجود دارد آخر دنیا بخواب است. فکر میشود انتظارها و امیدها به یأس تبدیل میشود. دیگر باید این نماهای هولناک صفحه تاریخ کشور را نقش بندد.

بلی بسیار شنیده شده که دختران نا بالغ قشر ناتوان و تهی دست این سرزمین در شمال و جنوب کشور توسط فرزندان وکلا و قوماندانان زورمند و سلاحدار بی صورت و بی عفت شدند اما گاهی نشینیدیم کسی بخاطر جرمش محاکمه شده باشد تا عبرتی

باشد برای دیگران. بلی این جنایات در زمانی صورت گرفت که نیروهای تا دندان مسلح امریکا از نظام فعلی حمایت میکرد تا بتواند قانون را عملی سازد که نکرد هر روز از جنایت و فساد و قاچاق حرف میزنند روزی از حق و عدالت حرفی بزبان نیامد. ببینیم که در آینده شاید چگونه اعمال هولناکی در زیر آسمان این سر زمین شکل میگیرد.

د پانو شمیره: له ۲ تر 2